

## ظرفیت‌سنجی جنبش انصارالله یمن در عمق بخشی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

محسن مطلبی‌جونقانی<sup>۱</sup>

علیرضا طاقی<sup>۲</sup>

محمد رضا عفاوی<sup>۳</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۲۹

### چکیده:

جنبش انصارالله یمن از زمره نهضت‌هایی است که پیروزی انقلاب اسلامی سبب الهام‌گیری و ایجاد انگیزه در میان آنان شد و رهبر آنها یعنی شهید «حسین الحوثی» رهبر جنبش انصارالله یمن با پیروزی انقلاب اسلامی و آشنایی با امام خمینی (ره) و اندیشه‌های ایشان توانست با الهام از این اندیشه و با تشکیل هسته مقاومت در یمن و پایه‌گذاری آن بیداری ایجاد شده و متأثر از اندیشه‌های اسلامی را در یمن گسترش دهد. هدف اصلی مقاله، شناخت نقش جنبش انصارالله در عمق‌بخشی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با توسل به نظریه پیچ تاریخی و هندسه قدرت است. از این‌رو با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی به‌دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که جنبش انصارالله یمن در عمق‌بخشی منطقه‌ای چه نقشی دارد. در پاسخ به این پرسش، تحقیق به این نتیجه رسید که جنبش انصارالله توانسته است با الهام‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی یعنی اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، استقلال‌طلبی و مبارزه با استکبار و استبداد و سلطه‌ستیزی، نسبت به افزایش عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران تأثیر بسزایی داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل با حمایت و پشتیبانی انقلابی، معنوی و سیاسی از این جنبش، هندسه قدرت را در منطقه به نفع خود تغییر داده است. بی‌شک در این هندسه جدید قدرت، دنیای اسلام با محوریت انقلاب اسلامی در آن سهم تعیین‌کننده‌ای پیدا کرده و روز به روز نقش و عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف افزایش پیدا کرده است و هر کدام از اعضای جامعه شبکه‌ای و محور مقاومت از جمله جنبش انصارالله یمن نقش تأثیرگذاری در کمک به این عمق‌بخشی دارند.

### کلید واژه‌ها

عمق‌بخشی، گفتمان انقلاب اسلامی، بسط منطقه‌ای، جنبش انصارالله، حوثی‌ها.

۱ - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

mohsen.motallebi@yahoo.com

۲ - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۳ - دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران، که ناشی از موقعیت ذاتی است، دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای در عرصه‌های مختلف است. این هدف، که آشکارا یکی از شاخصهای با اهمیت سند چشم‌انداز بیست ساله کشور است به‌طور جدی از سوی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و اولویت نخست آن تعیین شده است. انقلاب اسلامی ایران دو دستاورد مهم بین‌المللی یعنی بیداری اسلامی و احیای جبهه مقاومت را به‌همراه خود دارد. جبهه مقاومت با تأکید بر ارزشهای اسلامی تلاش می‌کند تا ژئوپلیتیک غرب آسیا را مدیریت کند و این مدیریت می‌تواند در مناطقی مانند لبنان، عراق، یمن و... دیده شود.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران با گسترش آرمانها و اندیشه‌های خود توانسته است بدون وامداری غربی‌ها حوزه عمق‌بخشی خود را گسترش دهد. جنبش انصارالله یمن یکی از نهضت‌های آزادیبخش است که پیروزی انقلاب اسلامی سبب الگوگیری و بیداری در میان شیعیان زبیدیه در این کشور شد. شهید «حسین بدرالدین الحوثی» رهبر جنبش انصارالله یمن با پیروزی انقلاب اسلامی و آشنایی با امام‌خمینی(ره) و اندیشه‌های سیاسی ایشان توانست با الگوگیری از تفکر انقلاب اسلامی با تشکیل هسته‌های مقاومت در یمن و پایه‌گذاری آن اندیشه‌های ناب اسلامی را در یمن گسترش دهد. حرکت شهید حسین الحوثی، که قرائت انقلابی از مفاهیم تشیع با الگوگیری از تفکر امام‌خمینی(ره) بود از سویی در مقابل نفوذ استعماری عربستان در یمن و تبعیض شدید مذهبی و سیاسی حکومت یمن علیه شیعیان ایستادگی فرهنگی کرد و از سویی دیگر حلقه جدیدی را نیز به محور مقاومت و منطقه افزود. در واقع پیدایش یک گروه انقلابی و شیفته امام‌خمینی(ره) و در خط سیاسی جمهوری اسلامی ایران در کنار مرزهای سعودی به‌عنوان مهمترین هم‌پیمان سیاسی امریکا در منطقه هشداری برای امریکا بود بویژه اینکه مهمترین اعتراض سیاسی این گروه، حضور نظامی بیگانگان و اعمال سیاستهای تبعیض‌آمیز علیه شیعیان بود. انقلاب اسلامی با توجه به گسترش حوزه نفوذش در اثر فراگیر شدن بیداری اسلامی در منطقه همواره تلاش کرده است از این طریق بتواند در جهت تقویت گرایشهای اسلامی در میان جنبش‌ها گام بردارد.

موقعیت راهبردی کشور یمن، که جنبش انصارالله از دل آن بیرون آمده، موقعیتی است که رژیم صهیونستی را از تصور کنترل و سیطره انصارالله بر تنگه راهبردی باب‌المنذب شدت نگران می‌کند. یمن کشوری است که به گفته بسیاری از تاریخدانان، ساکنان آن عربهای اصیل هستند و برخلاف بسیاری از کشورهای عربی، که از تجزیه امپراتوری عثمانی و یا چندپاره‌سازی کشورها توسط استعمار، شکل گرفته‌اند، دارای سابقه‌ای اصیل و تاریخی است. موقعیت جغرافیایی یمن نیز همچون جمهوری اسلامی ایران موقعیت راهبردی و سوق‌الجیشی است. یمن از نظر مرزی با عربستان و عمان همسایه است در حالی که مرزهای جنوبی آن مشرف بر آبراه‌های بین‌المللی است و تنگه راهبردی باب‌المنذب، که خلیج عدن را به دریای سرخ متصل می‌سازد در جوار سواحل یمن واقع شده است. دغدغه پژوهش این است اگر فرصتی همچون ظهور بازیگر جدیدی چون انصارالله پیش آمده است چرا جمهوری اسلامی ایران به آن توجهی نکند و یا ابعاد بیشتری از این جنبش نشان داده نشود.

در این راستا با بهره‌گیری از روش تحلیلی - کتابخانه‌ای، پس از تشریح مفهوم‌شناسی نفوذ و عمق‌بخشی (گسترش) به نظریه «پیچ تاریخی و هندسه جهانی قدرت» از دید مقام معظم رهبری نگاهی خواهیم افکند و در ادامه با توسل به این نظریه، مؤلفه‌های گسترش‌گفتمانی منطقه‌ای را از نظر خواهیم گذرانند. پس از شناخت این مؤلفه‌ها، به سؤال اصلی مقاله خواهیم پرداخت که چستی نقش جنبش انصارالله یمن در عمق‌بخشی (گسترش‌گفتمانی) منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است خواهیم پرداخت.

## رویکرد نظری

### تعریف مفهوم نفوذ

واژه Influence در لغت به معنی کنش یا قدرتی است که نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند (Webster, 2003, p641) و اصطلاحاً رفتاری است که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظر دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). نفوذ، شکلی از قدرت است؛ اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله. نفوذ را می‌توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به‌موجب آن، هر بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی عمل کنند که خواست خود آنها نیست (آقابخشی، ۱۳۸۶: ۳۱۴).

اصطلاحاً نفوذ رفتاری است که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظر دیگران می‌شود (عسگری، ۱۳۸۶: ۶۳). پیدایش و تأثیر نفوذ، تحت تأثیر عوامل مختلفی خواهد بود؛ مثل عوامل معنوی، پاداشها و تشویقهای دنیوی و کیفرها و تهدیدهای مادی که هر یک از این سه نیز در درون خود، مراتب و درجات مختلفی دارد (اسکندری و دارابکلایی، ۱۳۹۱). نفوذ، اثرگذاری هر بازیگر بر بازیگر دیگر است. این نفوذ برخلاف قدرت می‌تواند به‌طور کلی غیرارادی باشد (مستقیمی، ۱۳۷۲: ۴). نفوذ یکی از مؤلفه‌های اثرگذاری دولتها قلمداد می‌شود. در قالب نفوذ، قدرت منطقه‌ای می‌کوشد دیگر دولتها را به ادامه عمل یا سیاستی وادار کند که در راستای منافع اوست. قدرت منطقه‌ای باید در محدوده ژئوپلیتیکی و ساختار سیاسی اندیشه‌ای منطقه از نفوذ برخوردار باشد (فیضی، ۱۳۹۰: ۱۷۶ و ۱۷۵).

توانایی فرد از تغییر دادن رفتار دیگران بدون داشتن موقعیت رسمی (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۶۲۰) و فراگرد اثرگذاری بر افکار، رفتار یا عواطف شخص دیگر را نفوذ گویند. نفوذ از اندیشه‌های توماس هابز<sup>۱</sup> درباره قدرت گرفته، و وارد علوم اجتماعی شده است. نفوذ، پاسخ رفتاری نسبت به اعمال قدرت و یا به عبارت دیگر، نتیجه‌ای است که از طریق به‌کارگیری قدرت به دست می‌آید (رضائیان، ۱۳۸۶: ۷). در تعاریف از نفوذ به‌عنوان ساختار اثرگذاری بر دیگران استفاده شده است. اگر شخصی بتواند دیگری را متقاعد کند که عقیده‌اش را درباره یک یا چند موضوع تغییر دهد، رفتاری را انجام دهد و یا از آن خودداری کند و به محیط پیرامون خود به شکلی خاص بنگرد در واقع نفوذ، تحقق یافته و قدرت به‌کار گرفته شده است (موردهد و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۸۲).

نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، نفوذی گفتمانی است. نفوذ ایران در منطقه به سه دلیل است: یکی به دلیل فرهنگ دینی است که میان ایران و مردم منطقه نوعی همبستگی را به وجود می‌آورد. دوم مردمسالاری دینی به‌عنوان الگویی برای مبارزه علیه نظام استبداد برای دیگر کشورها مطرح است. سوم استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران در کنار به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی، جاذبه خاصی را برای مردم منطقه به وجود آورده که ایران را متفاوت از دیگر کشورها کرده است.

---

1 - Thomas Hobbes

بنابراین نفوذ ایران با نفوذ غرب در منطقه متفاوت است. اصولاً غرب به دلیل حضور نظامی در منطقه دارای نفوذ است. پایگاه‌های امریکا در کشورهای منطقه، زمینه‌ساز نفوذ در دولتهای آنها شده است. از سوی دیگر پادشاهان منطقه به این دلیل که فاقد پایگاه اجتماعی میان مردم خود هستند برای حفظ قدرت، چاره‌ای جز وابستگی به دولتهای غربی ندارند. با توجه به تعاریفی که اندیشمندان درباره نفوذ ارائه کرده‌اند به نظر می‌رسد این واژه ابعاد مختلف گفتمان انقلاب اسلامی بویژه نفوذ ایدئولوژیک یک کشور انقلابی در مناطق هدف را نمی‌تواند پوشش دهد و نیازمند تعبیر جامعتری هستیم که در این مقاله از عمق بخشی به‌عنوان مفهومی جامع‌تر استفاده شده است.

#### چارچوب نظری

در عصر حاضر، نظام بین‌الملل وارد مرحله جدیدی شده و وضعیت به‌گونه‌ای شتابان در حال جهش است. در گذشته گذر از تمرکز بر قدرت نظامی سنتی به دیگر ابعاد نوظهور قدرت، اصالت یافتن ویژگیهای فرهنگی، معنایی، هنجاری، گفتمانی و نامتقارن و گسترش معانی غیرنظامی قدرت مانند قدرت اقتصادی، فناورانه و بازیگری از نمادهای این تحول بوده است (ظریف، ۱۳۹۲).

در چنین دوره انتقالی و سیال در نظام بین‌الملل، بازی بزرگی در حال شکل‌گیری است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳ به نقل از Mittleman & Johnson, 1999:115-116). از این رو دوران گذار به دلیل پیچیدگی و ابهام ذاتی از حساسترین، مخاطره‌آمیزترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخ به‌شمار می‌آید. شرایط انتقالی عموماً در تاریخ روابط بین‌الملل حساسترین وضعیت است به همین دلیل هم استفاده از اصطلاح «پیچ خطرناک تاریخی» حاکی از تحولاتی است که آینده هندسه نوین جهانی را رقم خواهد زد. مهمترین مؤلفه این نظم جدید بر هم ریختن نمودار و هندسه نظم موجود و ایجاد نظم نوین مطابق معماری جدید است (کوشکی، ۱۳۹۳).

رهبر انقلاب، تاریخ بشر را بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی و در آستانه تحولی عظیم برشمرده، و تأکید نموده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۸/۱۴). در ادبیات روابط بین‌الملل نیز گلپین مفهوم نقطه عطف تاریخی را مطرح کرده است (بت‌جارمن، ۱۳۷۹).

در این راستا مقام معظم رهبری با شناخت دقیق نظام سلطه جهانی، راهکار شنیده شدن را آمادگی از راه قدرت آفرینی و به کارگیری ادبیات مبتنی بر قدرت می دانند: «سلطه های جهانی جز قوت و قدرت هیچ نمی فهمند و در برابر زبان قدرتی که آنان به کار می گیرند با زبان قدرت باید سخن گفت» (بیانات در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

رهبر فرزانه انقلاب هم چنین بهره گیری از ظرفیتهای درونی و بیرونی (عناصر شکل دهنده به عمق راهبردی کشور) را کلید تقویت توان ملی بیان کرده اند:

«کار مهم دیگر، این است که خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید. کشور را آماده کنیم برای اینکه نقش آفرینی کند و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور. کشور را باید قوی کنیم. تقویت کشور متوقف است بر استفاده از همه ظرفیتهای و تواناییهایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۶/۱۳).

در این راستا به منظور تبیین نقش و جایگاه جنبش انصارالله در نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران از مفهوم پیچ تاریخی و هندسه قدرت جهانی به عنوان چارچوب نظری استفاده می شود. مفهوم پیچ تاریخی به این دلیل دارای اهمیت است که در عین حالی که موضعی انتقادی نسبت به نظام کنونی سیاست بین الملل دارد، همزمان برای تغییر آن دارای راهبرد قابل توجهی است که ذیل راهبرد مقاومت قابل اشاره است.

شاخصهای گسترش گفتمانی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر هندسه نوین قدرت به شکل ذیل خواهد بود:



شکل ۱: شاخص‌های گسترش گفتمانی (نفوذ) منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر هندسه نوین قدرت

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

### تبارشناسی جنبش انصارالله یمن

جنبش شیعیان زیدی منطقه به‌صورت خودجوش در قرن سوم هجری شکل گرفت و هیچ دولت خارجی در تشکیل آن دخالت نداشت. این گروه در شمال ایران، یمن و مراکش موفق به تشکیل دولت حکومت زیدیه یمن توسط «یحیی‌بن‌الحسن» یکی از فرزندان امام‌حسن مجتبی (ع) پایه‌گذاری شد (وبگاه اندیشکده روابط بین‌الملل، ۲۷ بهمن ۱۳۹۳).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعیان یمن نیز بر دامنه فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود افزودند و خواهان احیای گذشته پرشکوه خود شدند. بنابراین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام‌خمينی(ره) در سال ۱۹۷۹م برخی زیدی‌های یمن طرحی را مبنی بر ایجاد یک جنبش دینی - سیاسی ارائه کردند. این طرح در سال ۱۹۸۲م توسط «علامه صلاح فلیته» در استان صعده مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت. در همین راستا «اتحاد

الشباب» در سال ۱۹۸۶م شکل گرفت. در سایه این جنبش، بستری فراهم شد که علمایی همچون «محمد بدرالدین الحوثی» مباحث و دروسی را مبنی بر نظریه‌های انقلاب اسلامی ایران و اصول و اساس آن در حوزه‌های علمیه ارائه کردند. در سال ۱۹۸۸م فعالیت اتحاد الشباب با توجه به بازگشت سران زیدی، که متعاقب انقلاب ۱۹۶۲م به عربستان گریخته بودند بشدت گسترش یافت. از جمله افرادی که می‌توان به نام آنها اشاره کرد «علامه مجدالدین المؤیدی» و «علامه بدرالدین الحوثی» بودند (الشجاع، ۱۴۳۲ هـ: ۱۵).

انصارالله بر اساس ادای وظایف و ادای دین به اسلام در یمن ایجاد شد و اکنون علاقه‌مند است که وظایف اسلامی خود را انجام دهد؛ یعنی گرایشهای قلبی آنها بیشتر از گرایشهای عقلانی آنها است و تنها از دریچه عقلانیت وارد عرصه سیاسی یمن نشده‌اند؛ یعنی عواطف و احساس پاک مذهبی آنها موجب انگیزه حضور آنها در صحنه یمن شده است. البته یکی از عواملی که سبب رشد انصارالله شد، حرکت‌های وهابیت بر ضد آنان است. وهابیت انواع و اقسام انتقادات و اتهامات را بر ضد انصارالله مطرح کرده و آنان را تحت فشار قرار داده است. این امر سبب رشد آنها از نظر عقیدتی و افزایش انگیزه‌های آنها برای حضور در صحنه شده است (قنادباشی، ۱۳۹۳).

#### ویژگیهای نفوذ منطقه‌ای ایران در هندسه جدید قدرت جهانی

با آغاز هزاره سوم، امواج نابسامانی و بی‌ثباتی، فضای بین‌الملل و بویژه منطقه غرب آسیا را در هم نوردید. موج اول بی‌ثباتی‌ها با حمله تروریستی القاعده به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک آغاز شد (رضاخواه، ۱۳۹۳).

موج دوم نابسامانی‌های منطقه‌ای از ژانویه سال ۲۰۱۱م با حرکت بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا و منطقه غرب آسیا آغاز شد. منطقه در موج دوم نیز شاهد سقوط دیکتاتوریهایی بود که برخی نزدیک به نیم‌قرن بر تحولات منطقه‌ای تأثیرگذار بودند. موج اول نابسامانی منشی بیرونی داشت در حالی که موج دوم برآمده از خواست ملت‌های مسلمان برای احیای کرامت از دست‌رفته‌شان بود (رضاخواه، ۱۳۹۳).



موج سوم نابسامانی‌ها با اوجگیری جریانهای تکفیری از سال ۲۰۱۴م و شعله‌ور شدن جنگهای طایفه‌ای و مذهبی در منطقه غرب آسیا آغاز شد. تمایز این موج با امواج قبلی نابسامانی‌های سیاسی را در از بین رفتن مرزهای بین‌المللی و تغییر در مفهوم سنتی دولت - ملت می‌توان دید (رضاخواه، ۱۳۹۳).

در همین رابطه «عمق راهبردی» جمهوری اسلامی ایران تعبیری است که بارها از سوی رهبر انقلاب به‌منظور تبیین عمق‌بخشی مفاهیم انقلاب اسلامی در جهان و بویژه در میان کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال در دیدار با اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین چنین می‌فرماید: «مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه جا می‌رود؛ نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه جا را به خودی خود می‌گیرد؛ حالا جنجال کنند، داد و بیداد کنند؛ رفته، صادر شده و الآن شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکر در لبنان دارد فعالیت می‌کند. در عراق دارد فعالیت می‌کند. جوانهای عراقی حرکت کردند؛ همراه ارتششان شدند؛ توانستند این پیروزیها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین‌جور، در غزه همین‌جور، در فلسطین همین‌جور، در یمن همین‌جور، ان‌شاء... در قدس شریف و برای نجات الاقصی هم همین‌جور» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۹/۰۶).

هم‌چنین «نبیل البکیری» نویسنده شبکه «الجزیره» می‌نویسد: «روابط ایران و یمن در طول دهه گذشته قرن اخیر، شاهد دو جزر و مد شدید بوده است. وی درباره عمق‌بخشی و نفوذ جمهوری اسلامی ایران ادعا می‌کند: «دخالت ایران در یمن نه مولود لحظه کنونی، بلکه نتیجه انباشت تلاشهای گوناگون ایران در گذشته برای حضور و نفوذ در خاک این کشور است... رابطه امروز ایران با جماعت انصارالله، سیاسی پراگماتیک و بر تحقق منافع مشترک دو طرف متمرکز است. ایران از این جماعت به‌عنوان برگهای سیاسی برای مقابله با دشمنان و رقبای منطقه‌ای و جهانی خود استفاده می‌کند» (البکیری، ۲۰۱۳).

یکی از آرمانهای اساسی انقلاب اسلامی، تلاش در جهت صدور و گسترش آن بوده است. حضور ایران در عراق، سوریه، لبنان و هم‌اکنون یمن به معنای برد ایران در کشاکش بحرانهای پیش آمده است (سادات اصفاء، ۱۳۹۴)؛ به‌عبارت دیگر در صورت پیروزی کامل و تسلط

انصارالله بر یمن، ضلع چهارم جبهه مقاومت در منطقه شکل می‌گیرد و این به معنی توسعه عمق راهبردی ایران در منطقه توسط شیعیان است. آنچه ایرانیان و یمنی‌ها با تاریخ پرافتخار خویش در فعالیتهای علمی و فرهنگی و مذهبی نشان دادند ما را به این نکته رهنمون می‌کند که آنان از هر دو سو با گرایشی جامع می‌کوشیدند در سایه فرهنگ اسلامی از برادری و وحدت اسلامی در میان مذاهب و مکاتب اسلامی گوناگون حمایت، و به دور از تعصبات تنگ فرقه‌ای و قشری‌گری ظاهربینانه با خردگرایی عمیق خود، زمینه را برای کنشگری و تعامل مذهب ایجاد کنند (سلیمانی‌پور، ۱۳۹۴). تا جایی که «دکتر عصام‌العماد» یکی از مفتیان سابق وهابیت، که به تشیع گرویده است، می‌گوید: «اگر انقلاب اسلامی ایران به وقوع نپیوسته بود، مذهب زیدی در یمن از بین رفته بود... انقلاب اسلامی نه تنها بازگشت دوباره به زیدیه شد، بلکه موجب گردید تا اصول جهادی فرهنگ مذهبی آنان پررنگتر از گذشته شود (تلاشان، ۱۳۹۳).

از دیگر مصداقهای نفوذ منطقه‌ای می‌توان به نفوذ معنوی در یمن اشاره کرد که تا چه میزان انقلاب اسلامی بر جنبش انصارالله اثرگذار شده و نه فقط انصارالله حتی در بین دیگر احزاب این مسئله نمایان است؛ به‌طور مثال و در رابطه با این موضوع، «فؤاد عیضا الراشدی» عضو ارشد حزب «المستقبل العداله» اعلام می‌کند که «مردم یمن امام‌خامنه‌ای [مدظله] را هدیه‌ای از دل انقلاب می‌دانند.»

این استاد دانشگاه صنعا با بیان اینکه آشنایی مردم یمن با جمهوری اسلامی ایران تدریجی بوده است، خاطر نشان کرد: از سال ۱۳۸۰ مردم یمن رادیو تهران را گوش می‌کردند و از سال ۱۳۹۰ شبکه‌های ایرانی مثل الکوثر و العالم در یمن طرفداران زیادی پیدا کرده است (وبگاه دولت بهار، ۱۳۹۴).

در صورتی که نظریه «پیچ تاریخی و هندسه نوین قدرت» مبنای پژوهش قرار گیرد، می‌توان نقش جنبش انصارالله را در عمق‌بخشی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخصها و مؤلفه‌های ذیل تبیین کرد:

ایجاد عمق بخشی (نفوذ) ژئوپلیتیکی در راستای تغییر هندسه قدرت کنونی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا

مکانها و مناطق جغرافیایی مختلف بر اساس موقعیت و مشخصات خود، ارزشهای متفاوتی دارد. این ارزشها ممکن است از توانهای طبیعی هر منطقه نظیر موقعیت و وسعت، منابع و

معادن، اقلیم، دسترسی به دریاها و تنگه‌های مهم و... ناشی شود یا محصول ویژگیهای انسانی و اجتماعی از قبیل قدمت تاریخی، قدرت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، علمی یا فنی باشد. مجموعه این متغیرها، توان و استعدادها بالقوه و بالفعل هر مکان یا منطقه جغرافیایی نظیر یک کشور را نشان می‌دهد؛ چرا که وسعت بیشتر میدان این عملکردها درجه بیشتر تأثیرگذاری آنها را بر دیگر مکانها و مناطق منعکس می‌سازد (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۶). به‌طور کلی، وزن ژئوپلیتیک مکان و منطقه جغرافیایی برای آن میزان مشخصی از قدرت را به بار می‌آورد که می‌تواند بر مکانها و مناطق کم‌وزنتر اثر گذارد و به عبارتی اعمال قدرت کند. بنابراین مکانها و مناطق جغرافیایی دائماً در حال کوشش و تکاپو برای افزایش وزن ژئوپلیتیک و کسب قدرت بیشتر هستند و با یکدیگر رقابت می‌کنند (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۸). بدون تردید هدف آنان از این رقابت، افزایش قدرت است تا با استفاده از آن حوزه نفوذ و اثرگذاری خود را گسترش دهند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

همان‌طور که در سطح داخلی «توانایی نفوذ بر دیگران ویژگی عمده قدرت است» (عالم، ۱۳۸۰: ۹۱) در سطح بین‌المللی هم امکان نقش‌آفرینی و اثرگذاری هر کشور بر دیگر کشورها و جوامع و بهره‌مندی از حوزه نفوذ وسیع و عمیق از نشانه‌های وجود قدرت به‌شمار می‌آید. از اهداف اصلی و ثابت دولتهای ملی در نظام بین‌المللی کنونی، تأمین امنیت ملی است؛ هرچند ابزار تأمین و راه رسیدن به آن، تحت تأثیر موقعیت متحول نظام بین‌الملل و اوضاع حاکم بر امور داخلی کشورها در حال دگرگونی است. از طرفی، محیط امنیتی هر جامعه‌ای تابع و برابندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فرماسیونهای اجتماعی، فعالیتهای سیاسی، وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، مؤلفه‌های قدرت، ایدئولوژی و ارزشها، مشارکت مردمی) و متغیرهای محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم یا بی‌نظمی جهانی، ایدئولوژی فناورانه، مشارکت مردمی) است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶). با آغاز تحولات سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم، رشد جنبش‌های آزادیبخش و استقلال‌طلبانه در قاره‌های کهن جهان و رشد و گسترش علوم انسانی، انسان در کانون توجه ژئوپلیتیک‌ها قرار گرفت و متغیرهای جدید مطرح شد. در این راستا، «دکتر عزتی» در چارچوب نظریات جدید، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در زمینه ژئوپلیتیک،

حیطه‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیایی را مطرح می‌کند. وی با تأکید بر تأثیر عوامل فرهنگی در ژئوپلیتیک و پیوستگی این دو بحث، ژئوپلیتیک اسلام را مطرح می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶). در این چارچوب یکی از نگرانی‌های غرب و برخی کشورهای عربی از قدرت‌گیری انصارالله در یمن از ترس ژئوپلیتیک ناشی می‌شود. آنها قدرت‌گیری انصارالله را در کشوری که مشرف به باب‌المنذب و در کرانه دریای سرخ است به نفع ایران می‌دانند و برای اثبات ادعاهایشان به تلاش ایران برای افزایش توانمندی‌های دریایی خود اشاره می‌کنند (پارسای محمودی، ۱۳۹۴)؛ لذا می‌توان یکی از دلایل اهمیت یمن برای جمهوری اسلامی ایران را ژئوپلیتیک یمن دانست (نجات، ۱۳۹۳: ۷۴). موقعیت گسترش نفوذ جنبش انصارالله در یمن و تسلط بیشتر بر تنگه راهبردی باب‌المنذب به‌عنوان یکی از مهمترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتیرانی در کانال سوئز در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کند و رفت‌وآمد دریایی را از کانال سوئز و خلیج فارس به کنترل درآورد که این موضوع چشم‌اندازی هشداردهنده برای طرفهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است که از نفوذ فزاینده ایران در منطقه نگران هستند (هوشی‌سادات، ۱۳۹۳).

#### گسترش گفتمان مقاومت در سراسر منطقه و ارائه الگوهای موفق مقاومت

انقلاب اسلامی ایران، دستاوردهای زیادی در ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته به‌گونه‌ای که رویکرد کلان و راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی نیز در دوران پس از انقلاب بر همین مدار حرکت کرده است. در واقع انقلاب اسلامی ایران نه تنها به نهضت‌های استکبارستیز منطقه و جهان از جمله محور مقاومت «حیات دوباره» بخشید، بلکه «بازتولید» و «گسترش» این گفتمان را نیز همچنان وجهه همت خود قرار داده است (وبگاه طنین، ۱۳۹۵).

در موقعیت و اوضاع کنونی باید اذعان کرد که «گفتمان انقلاب اسلامی» در جهان اسلام و بویژه منطقه غرب آسیا در عرصه عملیاتی در قالب «جبهه مقاومت» یا «محور مقاومت» بیش از هر زمانی، تجلی یافته است و از این رو گفتمانهای دیگر با شکست‌های پی‌درپی، یکی پس از دیگری، صحنه زورآزمایی با «گفتمان اصلی انقلاب اسلامی» مبنی بر حمایت از محور مقاومت را ترک یا واگذار می‌کنند (وبگاه طنین، ۱۳۹۵).

بنابراین می‌توان به یکی از مصداق‌های تأثیرپذیری جنبش انصارالله از انقلاب اسلامی و نقش آن در نفوذ منطقه‌ای به گسترش گفتمان مقاومت و ارائه الگوی مقاومت اشاره کرد. محور مقاومت را می‌شود از دو دیدگاه تعریف کرد: در دید نخست، محور مقاومت «ائتلاف ژئوپلیتیک» منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی و غیردولتی است که دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک است. با توجه به این تعریف در مقابل این محور، ائتلافی از نظام‌های کهن اقتدارگرا، استکباری و پادشاهی قرار دارد که منافع آن در تضاد با محور مقاومت تعریف می‌شود. تعریف دومی که می‌توان از محور مقاومت ارائه کرد، گفتمانی است. گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌ها است که در فرایندی مفصل‌بندی، نظام معنایی خاصی را شکل می‌دهند. یک بخش نفی یا «سلبی» است و بخش دیگر اثباتی و «ایجابی». در مرکز بُعد سلبی گفتمان مقاومت، «سلطه‌ستیزی» قرار دارد؛ یعنی مهمترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی است؛ اما مهمترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است (وبگاه طنین، ۱۳۹۵). شاید مهمترین مسئله در مورد پیروزی انقلابیون یمنی، ارتباط آنها با آموزه‌های گفتمان مقاومت در منطقه باشد. بدون شک در عرصه بین‌الملل تنها پادگفتمانی که می‌توان در برابر نظام سلطه تعریف کرد، گفتمان مقاومت است. برخی از مهمترین عناصر اصلی گفتمان مقاومت با تحولات اخیر یمن مقایسه می‌شود:

#### اسلام‌خواهی

یکی از مهمترین ویژگی‌های گفتمان مقاومت تأکید بر آموزه‌های اسلامی است. حال اگر به قیام اخیر مردم یمن نگاهی بیندازیم براحتی می‌توان عنصر اسلام‌خواهی را در شعارهایشان مشاهده کرد. اسلام و احکام اسلامی همواره در اندیشه‌های رهبر انصارالله دغدغه و مسئله اصلی بوده است. در واقع انصارالله، که اکنون به‌عنوان مهمترین گروه انقلابی مطرح شده‌اند، توانستند در یک دهه اخیر فرهنگ عاشورا را بین مناطق شیعه بخوبی معرفی کنند (پرن‌دین، ۱۳۹۳).

رهبر جنبش انصارالله در سخنرانی روز غدیر ضمن تأکید بر ادامه مبارزات تا به سرانجام رساندن انقلاب یمن اعلام کرد: «خیلی‌ها تلاش می‌کنند تا در یمن دخالت کنند؛ اما مردم یمن مسلمان هستند و با رجوع به اصول و آرمانهای اسلامی خود به مبارزاتشان ادامه می‌دهند. میلاد پیامبر(ص) می‌تواند بهترین فرصت برای وحدت اسلامی باشد» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳).

#### صلح طلبی

گفتمان مقاومت ضمن تأکید بر ایستادگی در برابر استکبار و نظام سلطه همواره خود را به‌عنوان گفتمانی صلح‌طلب معرفی کرده است. معنای این سخن این است که بیشترین تمرکز این گفتمان در برابر پدیده‌های بین‌المللی تأکید بر صلح‌طلبی و دوری از جنگ و خشونت است.

حتی در زمانی که لشکر یکم به فرماندهی محسن‌الاحمر به مواضع انقلابیون در صنعا حمله کرد، جنبش انصارالله به مواضع ارتش حمله نکرد و تنها به دفاع از خود در برابر تهاجمات مشغول بود؛ اما اوج صلح‌طلبی انقلاب دوم یمن زمانی رقم خورد که با وجود استعفای نخست‌وزیر و محسن‌الاحمر به عنوان نفر دوم یمن و تسلیم‌شدن گارد ویژه ریاست جمهوری و ارتش این کشور در برابر انقلابیون، انصارالله نه تنها به قیام خود ادامه نداد، بلکه با امضای توافقنامه صلح با دولت این کشور به همگان نشان داد که این جنبش نه تنها یک گروه با بلوغ سیاسی قوی است، بلکه به هر قیمتی حاضر به دستیابی به اهدافش نیست و خشونت را به‌عنوان ابزار رسیدن به اهداف نفی می‌کند (پرن‌دین، ۱۳۹۳).

#### استقلال طلبی

گفتمان مقاومت همواره با رد هرگونه وابستگی به بیگانگان بر استقلال‌طلبی تأکید کرده است. در واقع عنصر استقلال‌طلبی به این گفتمان در بین جنبش‌ها و مکتبهای سیاسی جایگاه ویژه‌ای بخشیده است.

در همین ارتباط رهبر جنبش انصارالله با اشاره به شکست کسانی که برای مقابله با ملت یمن در برهه اخیر، دل به خارج داشتند، تصریح کرده است: «باید انتظارات ملت یمن برآورده شود. ملت یمن به هیچ‌کسی تکیه نمی‌کند و اراده خارجی نمی‌تواند بر ملت یمن سلطه یابد (پرن‌دین، ۱۳۹۳).

## مبارزه با استکبار و استبداد و سلطه‌ستیزی

در واقع این گفتمان زمانی قوام یافت که در مقابل خود نظام و گفتمانی به نام سلطه را یافت که فارغ از هرگونه چارچوب اخلاقی علیه ملتها ظلم می‌کند. گفتمان مقاومت پاسخی به این ظلم و جور بود.

از سوی دیگر از آنجا که این گفتمان بر اسلام‌خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی و... تأکید می‌کند، کاملاً مشخص است که با هرگونه استکبار و استبدادی مخالف است. در انقلاب یمن نیز شیعیان الحوثی علیه سالها استبداد سیاسی قیام کردند و صنعا را به تصرف خود درآوردند. آنها نه تنها با استبداد داخلی مبارزه کردند بلکه با هرگونه مداخله استکبار جهانی و اشغالگری نیز مخالف هستند (پرن‌دین، ۱۳۹۳).

شهید حسین‌الحوثی درباره مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی مطالب زیادی عنوان کرده است. وی در یکی از سخنرانیها در عاشورای سال ۱۴۲۳ هجری قمری در صعده با موضوع عبرتهای عاشورای عنوان می‌کند که: «... شنیده‌ایم ممکن است کنفرانس آینده بیروت در مسئله صلح با اسرائیل، تصمیمی تعیین‌کننده بگیرد؛ با اسرائیل مصالحه کنند تا انتفاضه متوقف شود. چون این رهبران مثل اسرائیل از عملیات قهرمانانه فلسطینی‌ها می‌ترسند. وگرنه چرا به دنبال صلح با اسرائیل هستند؟ این موضعگیری غیر عادی است (غریب‌رضا، ۱۳۹۳: ۷۹).

## اجرای نقش الهام‌دهندگی برای دیگر نیروهای سیاسی خواهان تغییر

انقلاب اسلامی ایران تنها نمونه تاریخی قیام یکپارچه توده‌های مسلمان در برابر نظام فاسد حاکم بر اساس آرمانهای دینی بوده است به‌گونه‌ای که سرانجام در مسیر تحقق نظام اجتماعی اسلام، به تشکیل «حکومت اسلامی» انجامید. در واقع، نمونه منحصره‌فرد در تاریخ اسلام و جهان است که از این حیث، نه در سده‌های معاصر و نه پیش از آن، نمی‌توان برای آن مشابه دیگری در نظر گرفت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۸۳).

انقلاب اسلامی پس از پیروزی، همه تلاش خود را بر مسائل داخلی و ملی متمرکز نکرد؛ بلکه از همان ابتدا به چشم‌اندازهای فرامرزی نیز توجه کرد؛ چرا که جوهره اصلی آن، مسائل دینی، اعتقادی و اسلامی بود و از ویژگیهای دین اسلام، جهانگرایی و داشتن آرمانهای جهانی است (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۷۴؛ فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۵).

انقلاب اسلامی ایران به دلیل برخورداری از شاخصهای دینی و مکتبی به مثابه الگویی برای تلاشهای ایدئولوژیک در میان دیگر ملل اسلامی مورد ملاحظه قرار گرفت و تحولی عمیق در راهبرد یا شیوه عمل و چگونگی تعیین اهداف آنها ایجاد کرد (امرابی، ۱۳۸۳: ۱۷۸).

جمهوری اسلامی ایران کوشیده است تا انقلاب اسلامی خود را نمونه‌ای از حرکت شجاعانه در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی به دیگر ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان معرفی کند تا آنان نیز از حقوق خود و شیوه دستیابی به آن آگاه شوند (نوازی، ۱۳۸۸: ۵).

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) این عامل را این‌گونه بیان فرموده‌اند: «گسترش انقلاب از نظر امام از راه ایجاد فتنه در کشورها نیست؛ از راه لشگرکشی نیست؛ از راه گسترش تروریسم نیست - برخلاف برخی از انقلاب‌های دیگر - گسترش انقلاب در میان ملتها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی است» (بیانات امام خامنه‌ای در سالگرد ارتحال امام، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هم‌چنین در سال ۶۸ در دیدار با اقشار مختلف مردم اذعان می‌کنند: «صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزشهای انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹).

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در اسفند ۸۹ در دیدار اعضای مجلس خبرگان الگوسازی انقلاب اسلامی را یکی از عوامل مؤثر در تحولات بسیار مهم منطقه دانستند و خاطرنشان کردند: «پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل جمهوری اسلامی، ماندگاری، استحکام و پیشرفتهای چشمگیر و روزافزون نظام اسلامی در زمینه‌های مختلف به‌عنوان الگوی هویت‌بخش و عزت‌آفرین در مقابل چشمان ملت‌های مسلمان منطقه قرار دارد و آنها را تحت تأثیر قرار داده است.»

انقلاب اسلامی ایران از بسیاری از ویژگیهای اسلام در پرتو تشیع بهره گرفت و از اصول انقلابی تشیع در رشد خود سود جست و بر مسلمانان شیعه جهان تأثیر محسوسی نهاد (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۶).



جنبش انصارالله در یمن یکی از نهضت‌های آزادیبخش است که پیروزی انقلاب اسلامی سبب الگوگیری و بیداری اسلامی در میان شیعیان زیدیه در این کشور شد. شهید حسین الحوثی رهبر جنبش انصارالله یمن با پیروزی انقلاب اسلامی و آشنایی با امام خمینی (ره) و اندیشه‌های سیاسی ایشان توانست با الگوگیری از تفکر امام خمینی (ره) با تشکیل هسته مقاومت در یمن و پایه‌گذاری آن بیداری ایجاد شده تحت تأثیر اندیشه‌های اسلامی را در یمن گسترش دهد و اساساً هنر بزرگ شهید حسین الحوثی، قرائت انقلابی از مفاهیم تشیع با الگوی تفکر امام خمینی (ره) بود که از سویی درباره تطبیق این کلام حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره گسترش مفاهیم انقلاب اسلامی در یمن می‌توان به مواضع انصارالله اشاره کرد:

«سید عبدالملک الحوثی» رهبر انصارالله یمن در سخنرانی روز قدس در تاریخ یازدهم مرداد ماه ۱۳۹۵ صراحتاً از جمهوری اسلامی ایران اعلام حمایت، و اظهار کرد: «با اینکه اسرائیل دشمن مشترک همه ما است اما شما با اسرائیل هم پیمان شدید، بر ضد دشمنان اسرائیل و امروز ایران اسلامی و این کشور مسلمان، جزئی از این امت است و این همان ایرانی است که در رابطه با آن می‌گویید آنها از «فارس مجوس» هستند و دیگر کلمات... ایران جزئی از کیان امت اسلامی است و ایران از بهترین مسلمانان است.»

«شما ای تکفیری‌ها و ای کسانی که در رابطه با ایران می‌گویید آنها مجوس هستند و ای کسانی که در جلسه‌های حدیث دستی بر آتش دارید توجه کنید به آیه قرآن که می‌فرماید: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قُوَّةً غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد/ ۳۸). شما در صحیح بخاری و غیر بخاری مشاهده می‌کنید که در حدیثی اصحاب از پیامبر (ص) سؤال کردند کدام قوم؟ پیامبر (ص) به سلمان اشاره کردند و فرمودند: «قوم وی» آنه قال: «هم قوم هذا وأشار إلى سلمان وقال لو كان هذا الدين معلقاً بالثريا لتناولوه رجال من فارس» (الحوثی، ۲۰۱۶).

#### اجرای نقش موازنه دهنده در نظام قوای منطقه غرب آسیا

تحولات اخیر در غرب آسیا را می‌توان محور اصلی تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای دانست. در این موقعیت هرگونه انتقال در ساخت قدرت سیاسی کشورهای منطقه برای

۱ - کلمه السید عبدالملک بدر الدین الحوثی بمناسبه یوم القدس العالمی ۱۴۳۷هـ (ایران من خیره المسلمین..و

حزب ... الذین هم صفوه هذه الأمة)

کشورهای مختلف پیامدهای راهبردی خواهد داشت (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: ۳۵). ایران و عربستان به لحاظ محوریت ژئوپلیتیک و به‌کارگیری اصول خود در نقشهای منطقه‌ای خود، بازیگران کلیدی در منطقه به‌شمار می‌روند. بنابراین ایران و عربستان همواره در حالت رقابت تاریخی قرار داشته‌اند.

تحرك ژئوپلیتیکی عربستان از دهه ۱۹۷۰ به‌گونه‌ای تدریجی و مرحله‌ای آغاز شد. عربستان که دارای ساختار محافظه‌کار بود به‌عنوان متحد منطقه‌ای امریکا و انگلستان تلقی می‌شد. به همین دلیل رهبران عربستان از الگوی ائتلاف و الحاق با ساختار مسلط نظام جهانی بهره گرفتند. انقلاب اسلامی ایران رویکرد ژئوپلیتیکی عربستان را تغییر داد. رهبران عربستان به‌گونه‌ای مستقیم درگیر منازعه هویتی، ایدئولوژیک، امنیتی و ژئوپلیتیکی با ایران شدند. بنابر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان سعودی با توجه به فضای آنارشیک حاکم بر منطقه در پی بیشینه‌سازی قدرت نسبی خود است و در این روند، تلاش می‌کند تا قدرت رقباي خود را کاهش دهد. عربستان خود را قدرت منطقه‌ای می‌داند و همواره این رهبری از سوی ایران به چالش کشیده شده است؛ بنابر منطق واقع‌گرایی تهاجمی، چنین بازیگرانی انگیزه برتری بر یکدیگر دارند (ترابی، ۱۳۹۰: ۱۶۰ - ۱۵۸).

از زمان سرنگونی رژیم پهلوی در ایران و اتحاد دوباره یمن، کشمکش میان حکومت مرکزی و قبایل حوثی، زمینه‌هایی برای رقابت ایران و عربستان سعودی بر سر گسترش نفوذ در یمن فراهم کرده است (Mabon, 2012: 27) و یمن در سالهای گذشته نیز به محلی برای رویارویی ایران و عربستان تبدیل شده است.

با قدرت‌گیری انصارالله در یمن، عربستان بشدت احساس خطر کرده است. به همین دلیل برای از بین بردن قدرت انصارالله و تضعیف یا مقابله با نفوذ ایران در منطقه به لشکرکشی و جنگ دست زده است (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵).

موفقیت‌های روزافزون موقعیت سیاسی - اجتماعی انصارالله در یمن، این نکته را به ذهن تصمیم‌سازان سعودی متبادر ساخت که قدرت‌گیری انصارالله، موجب افزایش سطح نفوذ منطقه‌ای ایران شده است (السیونی، ۲۰۱۵).

عامل بازدارنده در مقابل نیروهای خواهان حفظ وضع موجود

«نظم» کلیدی‌ترین مفهوم در عرصه سیاست بین‌الملل سنتی و نوین است. تمام تلاشهای رسمی و غیررسمی دولت‌ها و حتی بازیگران فراملی و فراملی، وقتی وارد معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود به‌منظور برهم زدن، تقویت، تثبیت و یا بازیابی معادله نظم صورت می‌گیرد (ساسانیان، ۱۳۹۱).

به‌طور کلی دو دسته از کشورهای خواهان تغییر وضع موجود یا تجدید نظر طلب و کشورهای خواهان حفظ وضع موجود در یک سامانه قابل بررسی هستند:

در رهیافت نخست، بازیگر ضمن مخالفت با نهادها و بنیادهای موجود می‌کوشد تا ساختارهای قدرت، ایدئولوژی و قوانین موجود را از بیخ و بن بر کند و ساختار و مناسبات نوینی را جایگزین آنها کند. بازیگر تجدیدنظر طلب، ضمن ظالمانه و ناعادلانه دانستن قواعد بازی‌ای که سالها بر روابط بین‌المللی حاکم بوده است، آنها را طرد می‌کند و درصدد تدوین قواعد جدید عادلانه - البته از نظر وی - برمی‌آید. بازیگران خواهان تغییر وضع موجود با واکنش قاطع و ویران‌کننده بازیگرانی روبه‌رو می‌شوند که از وضع موجود نفع می‌برند و با هر گونه تغییر بویژه تغییرات ناگهانی و انقلابی شدت مقابله می‌کنند؛ اما خلاف بازیگران تجدیدنظر طلب، بازیگرانی که رهیافت حفظ وضع موجود را اتخاذ می‌کنند به‌جای به‌هم‌ریختن معادلات موجود می‌کوشند از درون همین معادلات، اهداف و منافع خود را تحقق بخشند و نقشی را در درون ساختار قدرت مستقر ایفا کنند. بازیگرانی که محافظه‌کار به‌شمار می‌روند به‌جای تغییر و دگرگونی به‌دنبال ثبات هستند و با هر قدرتی که بخواهد ثبات آنان را به هم بریزد با قدرت مقابله می‌کنند (یکتا، ۱۳۸۳).

براساس نظریه واقع‌گرایی، ثبات نظام در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در گرو حفظ وضع موجود و کنترل نیروهای مخالف نظام است در حالی که براساس هنجارها و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، حفظ وضع موجود عین بی‌ثباتی است و مهمترین علل بروز خشونت‌ها و ناآرامیهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ناشی از سیاست قدرت و بازی قدرتهای بزرگ برای اعمال سلطه بر ملتهای محروم و تعمیق روابط وابستگی میان کشورهای پیشرفته و جهان سوم یا در حال رشد است (منتظری، ۱۳۹۳).

در مجموع می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی خواهان تغییر وضع ناعادلانه موجود و حمایت از استقلال ملت‌های مسلمان منطقه بوده است. در تحلیلی مبتنی بر واقعیت می‌توان مدعی شد که در منطقه غرب آسیا، ترکیه و عربستان به‌عنوان دو رقیب منطقه‌ای ایران، چارچوب نظم بین‌المللی کنونی را پذیرفته‌اند و قصد تعارض و به چالش طلبیدن آن را ندارند؛ اما ایران این نظم را ناعادلانه می‌داند و با داشتن منابع عظیم انرژی و دولتی مردم‌سالار و نفوذ ایدئولوژیک در کشورهای منطقه آن را به چالش می‌کشد (منتظری، ۱۳۹۳).

موقعیت ژئوپلیتیکی باب‌المنذب و افزایش توان مانور منطقه‌ای ایران از جمله مهمترین محورهای عینی چالش ایران و عربستان به شمار می‌رود (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵).

ایفای نقش مهم و تأثیرگذار در هرگونه جنگ نیابتی

طی سالیان اخیر، تحولات در برخی کشورهای منطقه از جمله سوریه، لبنان و یمن، سبب شده است مفهومی به نام «جنگ نیابتی» برای رقابت‌های منطقه‌ای به کار گرفته شود؛ برای نمونه، حمایت ایران از دولت دمشق و حمایت‌های عربستان و هم‌پیمانانش از تروریست‌ها در این کشور به‌عنوان یکی از مصداق‌های این امر در نظر گرفته می‌شود. اصطلاح جنگ نیابتی در دوران جنگ سرد وارد فرهنگ علوم نظامی و راهبردی شد. در تعریف مفهوم جنگ نیابتی<sup>۱</sup> گفته می‌شود که منظور از آن، جنگی میان دو طرف یا بیشتر است که در آن، دست کم یکی از طرفها از سوی یک کشور خارجی حمایت می‌شود و هدف از آن نیز دستیابی به اهداف و منافع کشور یا کشورهای حامی است.

البته در هر جنگ نیابتی، طرفین جنگ به دلایل مشخص مخصوص به خود وارد منازعه با یکدیگر می‌شوند؛ اما دلیل اینکه آنها به‌عنوان «نیاب» در نظر گرفته می‌شوند و آن منازعه حالت جنگ نیابتی پیدا می‌کند، همان عامل پیش‌گفته، یعنی حمایت یک کشور خارجی است. دلیل این حمایت نیز این است که «نیاب»، هدفی را دنبال می‌کند که برای حامی مطلوب به نظر می‌رسد (تابناک، ۱۳۹۵).

همان‌طور که ظاهر این عبارت نشان می‌دهد، جنگ نیابتی، یعنی جنگی که در آن بازیگران جنگ به نیابت از بازیگران دیگری که حضور مستقیم ندارند، می‌جنگند؛ لذا جنگ نیابتی، جنگی میان دو طرف یا بیشتر است که در آن، دست‌کم یکی از طرفها از سوی یک یا چند کشور خارجی حمایت می‌شود و هدف آن نیز دستیابی به اهداف و منافع کشور یا کشورهای حامی است. همان‌طور که در مفهوم و تاریخچه جنگ نیابتی توصیف شد، جنگ نیابتی، ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر جنگ‌ها مانند جنگ تمام‌عیار، جنگ عمومی، جنگ منظم و نامنظم (چریکی)، جنگ متقارن و نامتقارن، جنگ محدود (متعارف) و نامحدود (غیر متعارف) متمایز می‌سازد؛ بنابراین در جنگ نیابتی:

- الف - طرفین اصلی جنگ از درگیری مستقیم علیه یکدیگر پرهیز می‌کنند.
- ب - از حیث جغرافیای جنگ درگیریهای نیابتی ممکن است در عمق راهبردی یکدیگر صورت گیرد و یا در مرزهای رقیب و یا در داخل جغرافیای رقیب به وقوع بپیوندد.
- ج - از لحاظ بازیگران نیابتی، ممکن است یک بازیگر یا چند بازیگر نیابتی باشد.
- د - بازیگر نیابتی ممکن است به نیابت از یک کشور یا گروهی از کشورها باشد.
- ه - از لحاظ چگونگی حمایت، ممکن است حمایت همه‌جانبه (حمایتهای مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی و...) از یکی از طرفهای درگیر باشد و یا حمایتهای محدود.
- و - جنگ نیابتی از حیث هدف، ممکن است برخی اوقات جنگهای نیابتی برای فراهم ساختن زمینه‌های فرسایش قدرت ساختاری کشورهای فراروی خود یا سرنگونی دولت مفروض هدفگذاری شود
- ز - از لحاظ ابزار، جنگ نیابتی به تناسب بازیگر نیابتی که دولتی باشد یا گروه‌های مسلح از ابزارهای متعارف و حتی غیر متعارف استفاده می‌شود
- ح - جنگ نیابتی بدون وجود بسترها یا زمینه‌های تنش و اختلاف یا شکاف بین بازیگران نیابتی با بازیگر مورد هدف تحقق پیدا نمی‌کند (بصیر، ۱۳۹۴).
- غرب آسیا سامانه آنارشیک منطقه‌ای است که غالباً براساس قواعد واقع‌گرایانه سیاست قدرت کار می‌کند. سرشت نهفته این سامانه منطقه‌ای موجب شده است دگرگونی در رفتار بازیگران بر امنیت و منافع دیگر اعضای منطقه غرب آسیا اثر گذار باشد. بی‌ثباتیها و انقلابهای

اخیر در دولتهای عربی بر امنیت و منافع ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر مهم در غرب آسیا تأثیر گذاشته و موجب افزایش رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان بر سر قدرت و نفوذ شده است. هم‌چنین به افزایش تنش در روابط دو دولت نیز انجامیده است. در واقع روابط ایران و عربستان همواره ماهیت رقابتی و تقابلی داشته و در سیر تاریخ روابط دو کشور دوره‌های تعامل و همکاری همواره در سایه رقابت دو کشور بوده است. موضوعات منطقه‌ای متعددی موجب به وجود آمدن این دیدگاه تقابلی شده و رسیدن به ثبات و تفاهم در روابط متقابل را سخت کرده است (بیرامی سقرلو، ۱۳۹۳: ۵).

بر اساس مبانی معرفتی و اقتضایی راهبرد جنگ نیابتی، این جنگ در مقیاس منطقه‌ای، تمدن نوین اسلامی و بازیگرانی که به مثابه موتور محرک آن هستند، یعنی جریان مقاومت و جلوه آن را، که بیداری اسلامی است، هدف قرار داده است. بنابراین:

- روشنگری افکار عمومی مسلمانان منطقه‌ای نسبت به موضوع، اهمیت و اهداف طراحان و عواملان جنگهای نیابتی در منطقه

- زمینه‌سازی ائتلاف منطقه‌ای و تقویت گفت‌وگو مقاومت

- فعال‌سازی نخبگان فکری جوامع اسلامی برای آگاهی‌بخشی به مردم

از جمله راهکارهای مقابله با جنگ نیابتی است که انصارالله یمن می‌تواند در آنها برای جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرینی کند.

### نتیجه‌گیری

بررسی اوضاع و وقایع جهانی نشان می‌دهد که دنیا در حال عبور از گذرگاه و رسیدن به وضع جدید است. نظم مستقر حاکم بر دنیا در حال تغییر و تبدیل است و قطبهای قدرت، جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها، فرهنگها و تمدنهای گوناگون می‌دهند. جهانی که تا چندی پیش بر مدار خواسته‌ها و تصمیمات چند هژمون غربی و اروپایی اداره می‌شد، اکنون بازیگران دولتی و فرادولتی بسیاری را در خود جای داده است که با جهتگیریها و اراده‌های سیاسی خود، معادلات بین‌المللی را دستخوش دگرگونی می‌کنند تا آنجا که قطبهای قدرت به پذیرش تصمیمات آنها وادار می‌شوند. در همدسه جدید قدرت، گسترش حوزه نفوذ

ایدئولوژیک و عمق‌راهبردی ایران اسلامی در منطقه و تبدیل شدن جمهوری اسلامی به بازیگری تأثیرگذار در صحنه سیاست جهانی از نقش مهم مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی در معادلات قدرت حکایت دارد. جمهوری اسلامی ایران شاید نتواند هندسه جهانی قدرت را شکل دهد، اما می‌تواند برخی از بازیگران را هدایت کند. بازیگران اثرگذار در هندسه جهانی قدرت متفاوتند. به نظر می‌رسد در هندسه جدید آینده را ملتها می‌سازند و دولتها در آینده دارای قدرت کاهنده هستند. اگر بپذیریم که ملتها قدرت‌ساز هستند، پس انقلاب اسلامی باید این بازیگران را شناسایی و جذب کند تا آنها را خوب هدایت کند و به‌کار گیرد؛ به عبارت دیگر در قالب نفوذ از آنها در جهت اهداف خود بهره گیرد.

عمق‌بخشی و نفوذ یکی از مؤلفه‌های اثرگذاری دولتها قلمداد می‌شود. در قالب نفوذ، قدرت منطقه‌ای می‌کوشد دیگر دولتها را به ادامه عمل یا سیاستی وادار سازد که در راستای منافع اوست. غرب آسیا از دیرباز محل جدال قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی درباره افزایش نفوذ بوده است. از سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) ایران در پی گسترش عمق و نفوذ معنوی خود در منطقه برآمد و به مرور فضاهاى مهم و قابل اعتنایی به دست آورد. ایران از لحاظ قدرت مادی و معنوی دارای شرایطی است که از دیگر کشورهای منطقه متمایز است. منظور از قدرت معنوی و نرم ایران، مؤلفه‌های انقلاب اسلامی است که به نظر می‌رسد در سطح منطقه فراگیر شده است؛ از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به جبهه‌گیری علیه نظام سلطه، به چالش کشیدن فرهنگ غرب، مردم‌سالاری دینی و نفی نظام استبدادی، اسلام سیاسی و اجرا شدن احکام اسلامی در جامعه اشاره کرد. بنابراین نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، نفوذی گفتمانی است. دنباله‌روی از سیاست گسترش حوزه نفوذ با توجه به پارادایم حاکم بر روابط بین‌الملل به‌عنوان هدفی عمده در سیاست خارجی برای همه کشورها، منطقی و توجیه‌پذیر جلوه می‌کند.

عمق‌بخشی جمهوری اسلامی در منطقه دارای سه سطح است:

- ۱ - گسترش گفتمانی در جنبش‌های اسلامی منطقه
- ۲ - گسترش گفتمانی در افکار عمومی مردم منطقه
- ۳ - گسترش گفتمانی در دولتهای منطقه

پیدایش و گسترش جنبش‌های اسلامی در منطقه، که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، جنبش‌هایی همچون حزب‌الله لبنان و حماس را بر اساس مبارزه با رژیم صهیونیستی شکل داد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اعراب ضمن پذیرش اسرائیل، گام‌هایی برای صلح با این دولت جعلی برداشته بودند که نمونه آن شکل‌گیری پیمان کمپ دیوید است؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی، این روند تغییر یافت. گروه‌های مبارزی از کشورهای اسلامی شکل گرفتند که با تاسی به جمهوری اسلامی به مبارزه علیه رژیم صهیونیستی رو آوردند. جنبش‌های دیگری در کشورهای اسلامی وجود دارند که تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی به مبارزه علیه رژیم‌های فاسد خود پرداختند. در این زمینه می‌توان به جنبش انصارالله در یمن اشاره کرد که با تأثیرپذیری از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی، همچون مبارزه با استبداد، مخالفت با وابستگی به غرب و اجرای احکام اسلامی به مخالفت با حکومت‌های خود به پا خاستند و خواهان شکل‌گیری حکومتی اسلامی شدند.

دومین سطح نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، میان افکار عمومی است. نفوذ ایران در میان افکار عمومی مردم منطقه را می‌توان در شکل‌گیری بیداری اسلامی مشاهده کرد. بیداری اسلامی در منطقه به شکل‌گیری حکومت‌هایی منجر شد که مؤلفه‌های انقلاب اسلامی را می‌توان در آنها دید. در این کشورها گروه اسلامی همچون انصارالله در یمن توانسته‌اند قدرت را در دست بگیرند.

نفوذ جمهوری اسلامی ایران به جنبش‌های اسلامی و افکار عمومی محدود نیست. این نفوذ در دولتهای منطقه نیز مشاهده می‌شود و به تشکیل دولتهایی منجر شده است که با سیاستهای منطقه‌ای ایران همراهی می‌کنند. روی کار آمدن نیروی‌های شیعی در منطقه و افزایش نفوذ جمهوری اسلامی تشکیل تقویت جبهه مقاومت را در منطقه به دنبال داشته است. جبهه مقاومت، که ائتلافی منطقه‌ای علیه رژیم صهیونیستی است، نقش تأثیرگذاری در شکل‌دهی به معادلات منطقه‌ای داشته است. این جبهه با رهبری ایران، نقش مؤثری را در افزایش آگاهی مردم منطقه نسبت به عدم مشروعیت اسرائیل داشته است. غرب بخوبی می‌داند که افزایش احساسات ضد صهیونیستی، که در یمن و... مشاهده می‌شود، نتیجه عملکرد جبهه مقاومت است. این ائتلاف منطقه‌ای سبب تثبیت قدرت ایران در منطقه شده است. در مجموع،



این روند او‌جگیری نفوذ ایران در منطقه، سبب شده است که ایران بیش از هر زمان دیگری از ابزار نفوذ در منطقه برخوردار شود.

در جمع‌بندی باید گفت، بدون تردید در هندسه قدرت جهانی، همان‌طور که عنوان شد، دنیای اسلام با محوریت انقلاب اسلامی می‌تواند در آن سهم تعیین‌کننده‌ای پیدا کند و در این موقعیت روز به روز نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف افزایش یابد. هر کدام از اعضای جامعه شبکه‌ای و محور مقاومت از جمله جنبش انصارالله یمن می‌تواند نقش تأثیرگذاری در کمک به این نفوذ داشته باشد. بنابراین تحرک جنبش‌های اسلامی و الگوی مورد نظر ما یعنی جنبش انصارا... در یمن می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در ترسیم نظم و هندسه جدید قدرت در منطقه غرب آسیا یاری کند.

## منابع

## فارسی

- ۱ - آقابخشی، علی اکبر؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی. چ دوم. ویرایش ششم. تهران: چاپار.
- ۲ - اسکندری، محمدحسین؛ دارابکلایی، اسماعیل (۱۳۹۱). پژوهشی در موضوع قدرت؛ انواع، منابع، پیامدها و کنترل آن. چ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳ - الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۶). مدیریت عمومی. چ سی و یکم. تهران: نی.
- ۴ - امرایی، حمزه (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی ایران و جنبشهای اسلامی معاصر. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۵ - بیرامی‌سقرلو، اکبر (۱۳۹۳). بررسی رقابت ایران و عربستان در موضوع یمن در تحولات سیاسی اخیر یمن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۶ - بی‌نام (۱۳۹۱). یمن: سرزمین سبا. روزنامه ایران. تاریخ: ۱۳۹۵/۰۶/۰۸. ص ۱۹.
- ۷ - پارسای‌محمودی، محمدرضا (۱۳۹۴). یمن و خاورمیانه نوین. نشریه سیاسی - تحلیلی همشهری دیپلماتیک. بهار. ش ۸۶.
- ۸ - ترابی، طاهره (۱۳۹۰). امریکا و ثبات خلیج فارس در روند رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران - عربستان. فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه. ش پنجم.
- ۹ - تلاشان، حسن (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن. فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی. س دهم. ش ۴۰.
- ۱۰ - جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). انقلابی متمایز (جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۱۱ - حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). وضعیت ژئوپلیتیکی پنجاب در پاکستان. تهران: انتشارات الهدی.
- ۱۲ - حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۱۳ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی، سیدعباس (۱۳۸۸). تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان. فصلنامه شیعه‌شناسی. ش ۲۵.
- ۱۴ - رضاییان، علی (۱۳۸۶). مدیریت رفتارهای سیاسی در سازمان. چ دوم. تهران: انتشارات سمت.

- ۱۵ - زنگنه، پیمان؛ حمیدی، سمیه (۱۳۹۵). بازنمود ماهیت منطق حاکم بر کنشگری ایران و عربستان در بحران یمن. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره ۵. ش ۱۸: ۱۴۳ - ۱۶۹.
- ۱۶ - شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۹). دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- ۱۷ - عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰). بنیادهای علم سیاست. چ هشتم. تهران: نشر نی.
- ۱۸ - عسگری، محمود (۱۳۸۶). شاخصهای قدرت منطقه‌ای. فصلنامه راهبرد دفاعی. س پنجم. ش هیجدهم.
- ۱۹ - غریب‌رضا، حمیدرضا (۱۳۹۳). اویس خمینی. چ دوم. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. دفتر نشر معارف.
- ۲۰ - فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی. قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- ۲۱ - فیضی، سیروس (۱۳۹۰). منطقه نفوذ؛ راهبرد قدرتهای بزرگ. مطالعات راهبردی جهان اسلام. ش ۴۵: ۱۶۸.
- ۲۲ - قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸). مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای. فصلنامه مطالعات راهبردی. ش چهارم.
- ۲۳ - مستقیمی، بهرام (۱۳۷۲). اعمال سیاست خارجی: قدرت، توانایی و نفوذ. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ش ۲۹.
- ۲۴ - مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱). پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه. فصلنامه ژئوپلیتیک. س هشتم. ش ۳.
- ۲۵ - مورهد، گری‌گوری؛ گریفین، ریگی (۱۳۸۵). رفتار سازمانی، چ یازدهم. ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده. تهران: مروارید.
- ۲۶ - نجات، سیدعلی (۱۳۹۳). رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات نوین خاورمیانه. فصلنامه سیاست. س اول. ش چهارم.
- ۲۷ - نجات، سیدعلی؛ موسوی، سیده‌راضیه؛ صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵). راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. دوره ۹. ش ۳۳.
- ۲۸ - ند، جورج؛ جارمن، بت (۱۳۷۹). آینده خلاقیت و خلاقیت آینده. ترجمه حسن قاسم‌زاده. تهران: انتشارات ناهید.
- ۲۹ - نوازی، بهرام (۱۳۸۸). صدور انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن. تهران: معاونت پژوهشی انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۳۰ - یکتا، حسین (۱۳۸۳). مطالعه تطبیقی رفتار ایران و عراق با سازمان ملل طی هشت سال جنگ تحمیلی. فصلنامه نگین ایران. دوره ۲. ش ۸.

#### منابع اینترنتی فارسی

- ۳۱ - بصیر، هادی (۱۳۹۴). رمزگشایی از رویکرد جنگ نیابتی آمریکا. تاریخ: ۲۵ خرداد. بازایی از وبلاگ <http://hadi-basir.blogfa.com/post/7> تحلیلی خورشید هدایت:

- ۳۲ - پرندین، لطف الله (۱۳۹۳). واکاوی پیروزی انقلاب دوم یمن از منظر گفت‌وگو مقاومت. تاریخ: ۰۷ مهر. بازیابی از پایگاه تحلیلی - تبیینی برهان:
- <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=7817>
- ۳۳ - جستار بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) از وبگاه: <http://www.khamenei.ir>
- ۳۴ - خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۳). عبدالملک الحوثی: پیام ما به جهان صلح و ثبات برای منطقه است. تاریخ: ۱۳ دی. بازیابی از خبرگزاری ایسنا: <http://www.isna.ir/news/>
- ۳۵ - رضاخواه، علیرضا (۱۳۹۳). مختصات نفوذ منطقه‌ای ایران در موج سوم تحولات بین‌الملل. تاریخ: ۲۷ دی. بازیابی از وبگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله: <http://farsi.khamenei.ir/1393/10/27>
- ۳۶ - سادات‌اصفا، نرگس (۱۳۹۴). اوضاع این روزهای عربستان در ارتباط با یمن؛ به دنبال بازگرداندن نفوذ از دست رفته‌اش. تاریخ: ۰۸ فروردین، بازیابی از مؤسسه ابرار معاصر تهران: <http://www.tisri.org/default-1826.aspx>
- ۳۷ - ساسانیان، سعید (۱۳۹۱). راهبرد منطقه‌ای جبهه سازش؛ بازیابی نظم سابق. تاریخ: ۰۸ خرداد، بازیابی از وبگاه امت اسلامی: <http://www.ommatnews.ir/archives/19426>
- ۳۸ - سلیمانی‌پور، زهرا (۱۳۹۴). یمن چه جایگاهی در سیاست خارجی ایران داشته و دارد. تاریخ: ۱۹ فروردین، بازیابی از پایگاه تحلیلی - تبیینی برهان: <http://www.borhan.ir/Mobile/Detail.aspx?Id=8587>
- ۳۹ - شیعیان یمن از دیروز تا امروز/مطالبات انصارالله، وبگاه اندیشکده روابط بین‌الملل، ۲۷ بهمن ۱۳۹۳: <http://www.irtt.ir/index.php/1393-08-27-14-31-30/majid-zavari/>
- ۴۰ - ظریف، محمدجواد (۱۳۹۲). برنامه‌های پیشنهادی ظریف برای وزارت خارجه ارتقای روابط و کاهش تنش‌ها و خصومت‌ها/بهبود روابط با همسایگان». تاریخ: ۱۵ مرداد، بازیابی از وبگاه خبرگزاری فارس: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920515001161>
- ۴۱ - فنادباشی، جعفر (۱۳۹۳). جنبش انصارالله یمن؛ نمونه موفق حرکت‌های اسلامی. تاریخ: ۲۶ بهمن، بازیابی از وبگاه امت اسلامی: <http://www.ommatnews.ir/archives/52881>
- ۴۲ - کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۳). گذار به نظم نوین جهانی. تاریخ: ۱۷ شهریور، بازیابی از وبگاه دکتر محمدصادق کوشکی: <http://koushki.com/?p=2278>
- ۴۳ - منتظری، حمیدرضا (۱۳۹۳). ثبات بین‌المللی در گرو تغییر هندسه جهانی؛ چرا جمهوری اسلامی ایران نظام بین‌الملل کنونی را مطلوب نمی‌داند. تاریخ: ۲۵ بهمن، بازیابی از پایگاه تحلیلی - تبیینی برهان: <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=8363>
- ۴۴ - وبگاه تابناک (۱۳۹۴). دلیل توسل به «جنگ نیابتی» علیه ایران در منطقه چیست؟. تاریخ: ۰۵ خرداد. بازیابی از وبگاه خبری تابناک: <http://www.tabnak.ir/fa/news/503619>
- ۴۵ - وبگاه دولت بهار (۱۳۹۴). مردم یمن خامنه‌ای را هدیه‌ای از دل انقلاب می‌دانند. تاریخ: ۲۴ اردیبهشت، بازیابی از وبگاه خبری دولت‌بهار: <http://www.dolatabahar.com/view/51616>

۴۶ - وبگاه تحلیلی طنین (۱۳۹۵). گزارش: علل و چرایی حمایت ایران از محور مقاومت با تأکید بر اندیشه‌های رهبر انقلاب. تاریخ: ۳۰ فروردین. بازیابی از وبگاه طنین:

<http://tanincenter.com/content/147?qt-sidebar=1>

۴۷ - هوشی سادات، سیدمحمد (۱۳۹۳). روابط ایران و یمن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. تاریخ: ۲۸ اسفند، بازیابی از وبگاه دیپلماسی ایرانی:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1945257>

#### کتابها و مقالات عربی

۴۸ - الشجاع، أحمد أمين (۱۴۳۲هـ). بعد الثورة الشعبیة اليمنية: ایران و الحوثیون مراجع و مواجع. الرياض: مجلة البيان مركز البحوث و الدراسات.

۴۹ - البسوی، محمد عبدالجلیم (۲۰۱۵). حسابات معقده: التحالف العربی والصراع اليمني. القاهرة: مركز الاقليمي للدراسات.

#### منابع اینترنتی عربی

۵۰ - البکیری، نبیل (۲۰۱۳). حقیقه التدخل الإيراني فی اليمن. بتاريخ: ۲۵/۴/۲۰۱۳. بازیابی از موقع الجزیره نت: <http://www.aljazeera.net/knowledgegate/opinions/25/4/2013>

۵۱ - الحوثی، سیدعبدالملک (۲۰۱۶). کلمه السيد عبدالملک بدر الدین الحوثی بمناسبة يوم القدس العالمی ۱۴۳۷هـ قناة المسیره، بتاريخ: ۲۰۱۶/۰۷/۰۱ بازیابی از: <http://www.almasirah.net>

#### انگلیسی

52 - Altamini, Naser. June (2012). China-Saudi Arabia Relations, Durham University.

53 - <http://www.project-syndicate.org/commentary/joschka-fischer-wonders-how-global-security-can-be-secured--given-the-decline-of-pax-americana>

54 - Mudallali, A. (۲۰۱۴). The Iranian Sphere of Influence Expands Into Yemen. بازیابی از Foreign Policy:

55 - <http://foreignpolicy.com/08/10/2014/the-iranian-sphere-of-influence-expands-into-yemen/>

56 - Mabon, Simon (2013), "The Middle Eastern great game", available at: <http://www.isn.ethz.ch>

57 - Mittleman, James H. & Johnston, Robert, "The Globalization of Organized Crimes, the Courtesan State, and the Corruption of Civil Society", Global Governance, Vol.5, No 1, (January-March), 1999, pp. 103-26.

58 - Pletka, D. Kagan, W. F. Majidyar, K. A & Cochrane Sullivan, M. (۲۰۱۲). Iranian influence in the Levant, Egypt, Iraq, and Afghanistan. بازیابی از American Enterprise Institute: <http://www.aei.org/publication/iranian-influence-in-the-levant-egypt-iraq-and-afghanistan/>

59 - Zakaria, F. (2014). The fight against the Islamic State must include Iran. بازیابی از The washington Post: <https://www.washingtonpost.com/opinions/fareed-zakaria-the>

fight-against-the-islamic-state-must-include-iran/۲۵/۰۹/۲۰۱۴/e۴۴-۶۷۵۷۵۰۰e۱۱-۰e-۴  
۹a۱۳۷-۱۵aa۰۱۵۳۵۲۷\_story.html

60\_ Merriam Webster: Merriam Webster's Collegiate Dictionary, United states Of  
American, by Merriam Webster, 11ed, 2003, p641.

